



اساس سوسیالیسم انسان است.
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.
منصور حکمت

شماره ۲۳۳
۲۱ آبان ۱۳۸۳

www.wpiran.org

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

حزب دمکرات کردستان ایران و حمایت از بوش!



یدی محمودی

پیام حزب دمکرات به بوش از يك طرف نتیجه به بن بست رسیدن سیاستهای سازشکارانه این حزب در مقابل جمهوری اسلامی وازطرفی دیگر به شیوه احزاب ناسیونالیست کردستان عراق، مبنی بر حمایت و پشتیبانی نوکرمانه این حزب و اجرای سیاستهای جنگ طلبانه آمریکا در منطقه و کردستان ایران است .

اخیرا مصطفی هجری رهبر حزب دمکرات کردستان ایران ، پیام تبریکی به بوش برای انتخاب مجددش بعنوان ریاست جمهوری آمریکا فرستاده و در پیامش خواهان دخالت بوش در اوضاع ایران و رهائی مردم ایران توسط او شده است . ایشان به اسم مردم کردستان ایران حمایت کامل خود را از سیاستهای بوش اعلام داشته است.

صفحه ۲

نگاهی به روند اختلافات و انشعاب در حزب کمونیست کارگری ایران



منصور فرزاد

وحدت عمل . همزمان با این ادعاها مقولات آشنا و جنگ سردی که بعدها بطور منسجمی در بیانیه ضد کمونیستی ۲۱ نفره فرموله شد بطرز غریبی وارد ادبیات آنها شد . هیچگاه و در هیچ دوره ای از تاریخ گرایش کمونیسم کارگری مثل آن دوره ، مسائل دیگر بر سیاست مقدم نبود . حجم و غلظت فحاشی و اتهاماتی جنگ سردی از نوع پلپوت ،

صفحه ۳

است و دلیل جدائی آنها دست بالا پیدا کردن گرایشی فرقه ای در حزب بود که اهمیت کسب قدرت سیاسی را نمی فهمید و با بازگشت به دوران چپ سنتی میخواست حزب را به حاشیه جامعه بکشاند و خود را به تبلیغ و ترویج سرگرم میکرد . میگویند که میخواهند حزب مدرن و سیاسی بسازند و از نظر آنها حزب سیاسی یعنی حزب چند نظری و بگفته دیگر حزب اختلاف نظر و

بعد از اینکه انشعاییون حزب خود را تشکیل دادند فعالیت بی وقفه ای را بمنظور تضعیف حزب کمونیست کارگری ایران شروع کرده اند . یکی از جنبه های اصلی فعالیت آنها دادن تصویر کاملا وارونه از اختلافات درونی و نفرت پراکنی بر علیه رهبران حزب کمونیست کارگری ایران بوده است . ادعا میکنند که حزب تازه تشکیل شده آنها در ادامه خط کمونیسم کارگری

تسلیت بمناسبت درگذشت نبز احمدزاده



با کمال تاسف مطلع شدیم نبز احمدزاده روز جمعه ۵ نوامبر بر اثر يك بیماری خونی درگذشت . نبز يك جوان کمونیست ، صمیمی و پرشور بود . مرگ نابهنگام نبز غم و درد عمیقی را در دلهای ما و همه کسانی که او را می شناختند بوجود آورد . ایسکرا در گذشت نبز عزیز را به رفقا پروانه ، عمر احمد زاده ، زرتشت احمد زاده و بقیه خانواده او و همه بستگان و دوستانش صمیمانه تسلیت می گوید .

جمهوری اسلامی طی روزهای اخیر دستگیریهای وسیعی را در سطح شهر آغاز کرده است . جرم این دستگیر شدگان روزه خواری در ملاء عام اعلام شده

صفحه ۴

جانباختن یک کودک و یک جوان زیر ضربات شلاق

طبق گزارشات رسیده به کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران،

جنایتی دیگر بر علیه کودکان

بر اساس خبری که به کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران رسیده است، يك کودک ۱۴ ساله در سنندج در حالیکه بیش از ۹ ماه در دستشویی خانه زندانی

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

سر دبیر ایسکرا منصور فرزاد

Tel: 0046 734 484 262
E.mail:
mansoorfarzad@yahoo.se

دبیر کمیته کردستان محمد آسنگران

tel: 0049 1633458007
E.mail:
asangaran@aol.com

تلویزیون کانال جدید ۸ تا ۱۰ شب

Satellite: Telstar12

Center Frequency:
12608MHz

Symbol Rate:19279

FEC:2/3

Polarization:Horizontal

رادیو انترناسیونال ۹ هر شب

رادیویی قوی با پوشش سراسری در ایران

صدای آزادی ، صدای حقیقت
صدای کارگر، صدای انسانیت
به همه طول موج
رادیو را معرفی کنید

۴۱ متر برابر
با ۷۴۹۰ کیلو هرتز

ایسکرا
چهارشنبه ها منتشر
میشود

ادامه حزب دمکرات ...

واقعیت این است که حزب دمکرات طی دو دهه گذشته برای به بازی گرفتنش توسط جمهوری اسلامی به هر چراغ سبزی از طرف وزارت اطلاعات این رژیم و تمام نهادهای ریز و درشت آن لیبیک گفته است . ساخت و پاخت از بالا با رژیم حتی به قیمت از دست دادن رهبرانش، سیاست رسمی این حزب در طول این سالیان بوده و بیچاره ها هیچگاه هم نخواستند از اشتباهات خود در این رابطه درسی بگیرند . اینک حزب دمکرات هنوز در زمره اپوزیسیون جمهوری اسلامی به شمار می آید، نه به این دلیل است که به حاکمیت جمهوری اسلامی اعتراض داشته و در مقابل جنایات جمهوری اسلامی مقاومت کرده و نه به این دلیل است که حزب دمکرات نماینده اعتراض مردم کردستان به جمهوری اسلامی است. بلکه تنها و تنها به این دلیل است که جمهوری اسلامی هیچگاه این حزب را جدی نگرفته و حاضر به دادن هیچگونه امتیازی به آن نشده است و به این ترتیب حزب دموکرات نا خواسته به جمع اپوزیسیون رانده شده است . اما پیام تبریک حزب دمکرات به بوش در شرایطی "تقدیم" میشود که سران هیت حاکمه آمریکا برای اجرای سیاستهای نظم نوین جهانی خود و قلدری و اعمال ارعاب و میلیتاریزم افسارگسیخته در سطح بین المللی از هیچ جنایتی ابائی نداشته و دست اسلام سیاسی را در کشتار مردم و توحش و خونریزی هرچه بیشتر باز گذاشته اند . تجربه امروز عراق باید برای هر انسان شرافتمندی درسی

باشد مبنی بر اینکه آمریکا و متحدینش نه تنها هیچگاه برای جان انسان و زندگی مردم ارزشی قائل نیستند، بلکه سیاستهایشان کاملا در تضاد و دشمنی آشکار با هر گونه مدنیت و زندگی انسانی است . حزب دمکرات بر این باور است که بوش در دوره دوم ریاست جمهوری اش ایران را مورد حمله نظامی قرار خواهد داد و به همین خاطر از امروز به سبک ناسیونالیستهای کرد عراق خود را برای خدمت به سیاستهای جنگ طلبانه آمریکا آماده می کند . حزب دموکرات با در پیش گرفتن این سیاست و به قیمت جنگ و کشتار و از هم پاشیده شدن شیرازه جامعه ایران، در آرزوی تکرار سناریوی سیاهی که هم اکنون به مردم عراق تحمیل شده نشسته است .

حزب دمکرات کردستان ایران با سیاستهای بورژوازی خود همیشه مانعی بر سر راه طبقه کارگر و مردم کردستان ایران بوده و هیچگاه کوچکترین اعتراض رادیکالی را در جهت مطالبات انسانی و آزادیخواهانه مردم نمایندگی نکرده و حتی در خیلی موارد در مقابل اعتراضات رادیکال مردم عملا سد و مانع ایجاد کرده است. اما مردم ایران با اعتراضات خود حکم به نابودی رژیم جنایتکار اسلامی داده و ما هر روز شاهد اعتراضات گسترده بخشهای مختلف مردم برعلیه جمهوری اسلامی هستیم.

و نکته آخر اینکه اعلام حمایت و پیام حزب دمکرات به بوش نشانه درماندگی این حزب و تقابل آشکار آن با منافع اکثریت مردم ایران است. این حزب همانند سایر جریانات راست اپوزیسیون حاضرست به

قیمت جنگ و کشتار و نابودی جامعه هفتاد میلیونی ایران، خود را به سیاستهای جنگ طلبانه آمریکا آویزان کند تا در فردای دخالت آمریکا در ایران اینها را بعنوان پادوهای خود بکار گیرند. اینکه دخالت نظامی بوش و هیئت حاکمه آمریکا بدلیل نفرت افکارعمومی جهانی از سیاستهایشان چقدر عملی است، موضوع این بحث نیست . آنچه در درجه اول اهمیت قرار دارد این است که این پیام و اعلام حمایت حزب دمکرات از بوش باید توسط مردم آزادیخواه ایران و بویژه کردستان مورد نفرت و انزجار قرار گیرد . حزب دمکرات را باید بیش از پیش رسوا کرد .

جنایتی دیگر

بوده، در وضعیت جسمی و روحی ناگواری به بیمارستان منتقل میشود. بنابر این خبر شریفه دختر ۱۴ ساله ای که مجبور به یک ازدواج اجباری با یک جوان ۱۶ ساله شده، بیش از ۹ ماه در دستشویی خانه از طرف والدین همسرش زندانی بوده و مورد اذیت و آزار قرار گرفته است.

شریفه کوچک در دنیای کودکانه خود وقتی خبر از ازدواج خود با یک جوان را می شنود، هدیه هایی را که گرفته بود به دیگران نشان میداده و با انگشتر و وسایل دیگر بازی میکرده است. بلافاصله بعد از ازدواج، آزار وی در خانواده همسرش شروع شده و همسایگان از صدای کتک خوردن و گریه های مداوم او خبر میدهند. او به مدت ۹ ماه در دستشویی خانه زندانی بوده تا بالاخره همسایه ها به نیروی انتظامی خبر می دهند. در

نتیجه این اقدام، شریفه را نیمه جان از دستشویی این خانواده بیرون می آورند و به بهزیستی سندانج انتقال می دهند. آثار شکنجه بر تمامی بدن شریفه قابل رویت بوده و این کودک در حالی که بشدت از نظر روحی و جسمی آزار دیده، در گوشه ای از بهزیستی شهر سندانج بسر

میبرد. شریفه اکنون از زندان خانواده رها شده و در دست حکومت اسلامی است. حکومتی که نه فقط به این کودک حق نخواهد داد، نه فقط از او مراقبت ویژه نخواهد کرد، بلکه از وی خواهد خواسته به سرنوشت خود تمکین کند چرا که آنچه بر سرش آمده است، اتفاقی غیر مترقبه نیست. طبق قوانین این حکومت میتوان کودک ۱۴ ساله را مجبور به ازدواج کرد و طبق مقررات این حکومت او زنی است که باید نفقه بگیرد و تمکین کند. ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی، محل شکنجه و تحقیر و کودک آزاری سیستماتیک است.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران ضمن محکوم کردن این کودک آزاری، از مردم سندانج میخواهد که برای مقابله با قوانین و فرهنگ و سنتهای ضد انسانی و ضد کودک بیش از پیش به میدان بیایند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران ۲۰ آبان ۱۳۸۳ برابر با ۱۰ نوامبر ۲۰۰۴

ایسکرا را به دوستان
و آشنایان خود
معرفی کنید

ادامه نگاهی به

استالینیست، فرقه و سکت که در این دوران از طرف کورش و جناح به طرف حزب و کادرهای پرتاب شد قابل مقایسه با تبلیغات اینچنینی جریان است. طرفداران کورش حاضرند ساعتها بر سر مسائل حاشیه ای بی اهمیت صحبت کنند اما لام تا کام در مورد محتوای بحث سرنگونی کورش و تئوریهایش حرف نمیزنند و با حذر کردن از وارد شدن به بحثها مدام مقوله " قدرت سیاسی را تکرار میکنند و بشوئه ناشیانه ای میخواهند وانمود کنند که جهت آنها در ادامه بحثهای منصور حکمت است. برخوردارهای هیستریک و سر برآوردن تئوریهای من درآوردی و بچگانه مثل فرقه، انقلاب ایدئولوژیک، تفتیش عقاید، حزب چند نظری، مائوئیسم و... را باب کرده اند تنها و تنها به این دلیل که این " حکمتیستها" خدای نکرده مبادا به گناه آلوده شده و وارد بحث سیاسی شوند.

قدرت سیاسی و فرقه

پلنوم ۱۶ حزب کمونیست کارگری ایران درست ۶ هفته بعد از درگذشت منصور حکمت تشکیل شد. کورش مدرسی بحشی رادر مورد سقوط جمهوری اسلامی و نقش حزب طرح کرد که در آن به ائتلاف با مجاهدین و نیروهای بازمانده از جمهوری اسلامی و شرکت در مجلس موسسان و غیره پرداخت. کسی از بحثها طرفداری نکرد و اکثر رفقای شرکت کننده، هر

یک از جنبه ای در مخالفت اظهار نظر کردند. در پایان این بحث کورش اظهار داشت که بحثهای فرموله نبوده و سعی خواهد کرد که بصورت فرموله شده تر نظرات خود را به دفتر سیاسی ارائه دهد. هیچ کس در پلنوم تصور نمیکرد که بحثهای کورش نقطه شروع طرح و به میدان آمدن یک سیستم فکری راست است که امکان دارد دست به مبارزه وسیعی بر علیه بنیانهای فکری، رادیکالیسم و سیاستهای حزب کمونیست کارگری بزند. رفقا هر چند که نظرات "غیر فرموله" کورش را در همان جلسه رد کردند اما با تکیه بر گفته کورش که نظراتش را فرموله خواهد کرد، چنین تصور کردند که خود کورش نیز متوجه اشکالات بحث خود شده است. بهمین جهت بعد از پلنوم ۱۶ بحث جدی و یا نوشته مکتوبی از طرفین بحثها شکل نگرفت. در واقع هر چند که در پلنوم ۱۶ بخش کوچکی از نظرات گرایش راست بروز پیدا کرد، اما تقابل وقتی جدی شد که کورش فکر شده و مکتوب نوشته اش را تحت عنوان "سقوط جمهوری اسلامی و نقش حزب کمونیست کارگری" به دفتر سیاسی ارائه داد. کورش برخلاف تصور اعضای دفتر سیاسی همان نظرات قبلی را فرموله و منسجم طرح کرده بود.

در نوشته اش اظهار میکند که "سقوط جمهوری اسلامی در ظاهر و در مرحله اول میتواند شکل سقوط جناح راست را داشته باشد و بخش هائی از بقایای دوم خرداد از هم اکنون دارند حساب خود را جمهوری اسلامی جدا میکنند..... دولت میوه ایست

که با سقوط جمهوری اسلامی به دست نزدیکترین نیروی موجود در میدان خواهد افتاد. نیروئی که درست همزمان با از هم پاشیدگی اوضاع دولت را میتواند اعلام کند، اهرم های باقی مانده دستگاه دولتی را در اختیار دارد. این شانس بیش از هر کس شامل بخشی از خود دستگاه دولت جمهوری اسلامی میشود - اساسا بخشهایی از دو خرداد که قطعاً تلاش خواهند کرد بر موج اعتراض مردم سوار شوند (حجاریان و غیره میتوانند تلاش کنند نقش یلتسین در کودتای ارتش را بازی کنند). بنظر من پایه سیاست حزب کمونیست کارگری ایران در قبال دولت در این دوره باید بر چند اصل متکی باشد. منظوم از سیاست در قبال این دولت به معنی حمایت از آن نیست. چارچوبی است که در آن حزب کمونیست کارگری خواهان سرنگونی قهرآمیز این حکومت نخواهد شد و قواعد مورد توافق را رعایت خواهد کرد و از دیگران خواهد خواست که این قاعده را رعایت کنند..... رسمیت دادن به یک دولت سیاسی، به معنی که در بحث دولت در دوره های انقلابی آمده، میباشد. مبنای توافق حزب با چنین دولتی نمیتواند مبنای اقتصادی داشته باشد. نقش این دولت اقتصادی نیست."

بعد از آن تقابل با بحثهای طرح شده در جلسات دفتر سیاسی جدی تر میشود و سئوالهای متعددی بمیان می آید از جمله اینکه چرا باید در چنین دولت موقتی که بخشی از آن جناحی از جمهوری اسلامی است شرکت کرد و از مردم بخواهیم که قواعد بازی

را رعایت کنند. نقش تشکلهای توده ای و شوراها چه میشود. قیام و انقلاب و شورا مکانیزمهای اساسی بقدرت رسیدن و حفظ قدرت کارگران و زحمتکشان بوده، این مکانیزمها چه نقشی در طرح دارند و غیره. جناح کورش تحت این عنوان که قیام خشونت است، انقلاب علی العموم را قبول ندارند و شوراها را جنبشهای دیگر بدست میگیرند، از جواب طفره میروند و تلاش میکنند به دیگران بقبولاند که بحثهای آنها ادامه و تکامل بحثهای منصور حکمت در رابطه با قدرت سیاسی است. اما فصل مشترک بحثهای آنها با بحث منصور حکمت تنها در کلمه قدرت سیاسی بود. در حالیکه در طول تاریخ گرایش کمونیسم کارگری هیچگاه در هیچ نوشته و یا سخنرانی، از مجلس موسسان، نافرمانی مدنی، تشکیل دولت موقت با جناحی از رژیم و فراندن حرفی بمیان نیامده است. این رفقا در ادامه منطقی خط فکری شان مسئله را تا آنجا کش دادند که، حتی بدون انقلاب نیز میتوانند قدرت را بگیرند و یا با تعداد چند ۱۰ هزار نفری میتوان خانه های سران رژیم را گرفت و دولت را به سقوط کشاند.

صف محکمی در دفتر سیاسی در مقابل آنها وجود داشت و کورش و همراهان او با توجه به توازن قوای که در دفتر سیاسی داشتند تلاش کردند که از راههای دیگر وارد شوند و اهانت، توهین و پرخاشگری را مشروعیت ببخشند. یکی از شیوه های بسیار زننده و زشت آنها بدست گرفتن مقولات دلخواهی و پرتاب آن به مخالفین بود، از جمله فرقه و سکت. "استدلال" آنها بطور

ساده این بود که مخالفین بحث کورش فرقه و سکت هستند. با توطئه دو نفر از اعضای دفتر سیاسی را اخراج کردند و آگاهانه دفتر سیاسی را به مرجع شکایات تبدیل نمودند. بطوریکه بمور دفتر سیاسی حزب را به بن بست کشاندند. هنگامیکه بحث دخالت کادرا و اعضای تشکیلات طرح شد، سراسیمه و بیمناک شدند و ظاهراً با این استدلال که علنی شدن بحثها تشکیلات حزب را با خطر متلاشی شدن روبرو خواهد کرد، طرح را رد کرده و قراری را مبنی بر در اختیار قرار ندادن مباحث درونی به کادراها به دفتر سیاسی ارائه دادند.

حزب چند نظری

یکی از تئوریهای بسیار بامزه منشعبیون تر حزب چند نظری است. "حزب چند نظری" وقتی بطور جدی وارد مباحثات گردید که جناح کورش پیش بینی میکرد نظراتشان با مخالفت شدید روبرو خواهد شد. تر "حزب چند نظری" قرار بود که نظرات جناح کورش در حزب را رسمیت دهد و مخالفت با آن را امری غیر دمکراتیک و مخالف با حزب مدرن سیاسی جلوه دهد به این شیوه مقاومت را کاهش دهد. کورش استدلال میکرد که حزب کمونیست کارگری باید حزب اختلاف نظر و وحدت اراده و عمل باشد و ادعا میکرد که حزب سیاسی یعنی حزب چند نظری. بنظر کورش حزب دوران منصور حکمت، حزبی غیر متعارف بود و نظرات دیگر قدرت متقابل با منصور حکمت را نداشت. اما حزب بعد از منصور حکمت باید چند نظری باشد. استدلال دیگر این بود که منصور حکمت

ادامه نگاهی به

میخواست حزب سیاسی بوجود بیاورد و حزب سیاسی یعنی حزب چند نظری .

استدلالات کورش در این باره بی حد نازل و من درآوردی بود و ذره ای ارزش تئوریک نداشت . خودشان این را متوجه شدند و دیگر صدایش را در نیاوردند. بالاخره به بندی از اصول سازمانی حزب متوسل شدند و با اندکی تغییر آنرا پشتوانه تز "حزب چند نظری" نمودند . در اصول سازمانی نوشته شده است :

"همفکری در تعیین هدف مشترک و همگامی در مبارزه عملی برای تحقق آن، اصل اساسی در مناسبات داخلی حزب کمونیست کارگری است. گسترده ترین تبادل نظر و همفکری و بیشترین فرجه برای طرح آراء و نظرات مختلف افراد در جریان تصمیم گیری در سطوح گوناگون، در کنار اکیدترین انضباط و همگامی و یکپارچگی عملی در پیشبرد سیاستها و اقدامات مصوب، ارکان تفکیک ناپذیر مناسبات درونی حزب کمونیست کارگری را تشکیل میدهند."

منشعبین این جمله چند کلمه ای "طرح آراء نظرات مختلف افراد در جریان تصمیم گیری در سطوح گوناگون" را از کل متن خارج کرده و آنرا مبنای تئوری حزب

ادامه جنبلختن یک کودک است.

این گزارشات حاکی است که ۵ شنبه گذشته يك جوان ۲۱ ساله به جرم روزه خواری دستگیر و محکوم به شلاق میشود. متاسفانه این جوان زیر ضربات شلاق جان باخته است. طبق گزارش دیگری که امروز ۲۰ آبان به دست ما رسیده دختر بچه ۱۴ ساله ای به جرم روزه خواری دستگیر شده و محکوم به ۳۰ ضربه شلاق می شود. وی زیر ضربات شلاق بی هوش شده و تن نیمه جان

چند نظری کردند . در بحث آنها تعیین هدف مشترک و همگامی و ... در پیشبرد سیاستها و اقدامات مصوب کاملاً حذف است .

نمی توان طرفداران و مخالفین مجازات اعدام در يك صف باشند و در عمل اراده واحدی از خود نشان بدهند . بگفته منصور حکمت طرفداران پروپاقرص چلو کباب کوبیده عضو و یا فعال انجمن گیاهخواران نخواهند شد . "حزب چند نظری" ایده آلیستی است و حتی منشعبین حزبشان را بر این اساس به پیش نمیبرند و عملاً ارزشی برای خود آنها ندارد و سعی میکنند سیاست واحدی را در پیش بگیرند. بعنوان مثال در رابطه با اختلافات کومه له نمیتوانند با دو نظر مختلف در جامعه ظاهر شوند . فرضا رحمان حسین زاده اعلام کند که خواهان شکلگیری کومه له رادیکال و کمونیست است و از طرف دیگر کورش مدرسی علناً اظهار کند که طرفدار کومه له ای است با اختلاف نظر و وحدت اراده و عمل و این را بعنوان سازمان سیاسی و مدرن تبلیغ کند . منشعبین این کار را نخواهند کرد چون در صورت اتخاذ چنین سیاستی صفوف خود را از بالا تا پائین دچار دودستگی خواهند کرد . اما این هم حقیقت دارد که منشعبین باتوسل به چنین تئوریهایی حزب خود را ساختند .

این کودک را به بیمارستان می رسانند که شب همین روز در بیمارستان جان باخته است.

روز یکشنبه يك کودک ۱۱ ساله به جرم روزه خواری توسط نیروهای انتظامی در خیابان فردوسی دستگیر می شود که با اعتراض خانواده وی روبرو میشود. خانواده وی و مردم موفق می شوند این کودک ۱۱ ساله را از مقر نیروهای انتظامی آزاد نمایند. دستگیر شدگان که به وسیله یگانهای ویژه و نیروی منکرات دستگیر می شوند محکوم به ۳۰ ضربه شلاق و ۵۰۰۰۰ تومان جریمه

و تا زمانی که علناً آنرا کنار نگذارند جامعه تعهد اجرای عملی آنرا از آنها خواهد خواست . به این جهت جناحهای کومه له ارزشی برای طرح رهنمودهای منشعبین قائل نخواهند شد و این سؤال را در مقابل منشعبین قرار خواهند داد که چرا وقتی پای حزب کمونیست کارگری میان می آید از حزب چند نظری دفاع میکنید و در رابطه با ما نظر کاملاً متفاوتی را طرح میکنید .

انقلاب ایدئولوژیک ، تفتیش عقاید و مائوئیسم
بعد از اینکه دفتر سیاسی موفق شد که اسناد درونی را در اختیار کادرها قرار دهد این مقولات از طرف منشعبین ، به میدان آمد. برای بسیاری از کادرها باور کردنی نبود که تعدادی از اعضای دفتر سیاسی تا آن اندازه افت کرده باشند . شنیدن و خواندن " سوسیالیزم مردم را رم میدهد، شرکت در دولت حجابریانی، نافرمانی مدنی، مجلس موسسان" و همچنین باب کردن و رسمیت دادن به فحش و توهین و آثم از طرف تعدادی از اعضای دفتر سیاسی باورکردنی نبود . مقولات آشنای فرقه ، پل پوت ، استالینیسم و ... که از طرف جریانات ملی مذهبی و راستهای ضد کمونیست و در ناتوانی در جدل سیاسی با سیاستهای حزب

تقدی شده اند و در صورت نداشتن این مبلغ، باید فرد دستگیر شده بابت هر روز ۵ هزار تومان يك روز در زندان بماند.

دستگیر شدگان انگشت نگاری می شوند و از آنها عکس می گیرند. بر اساس این پرونده سازی به جوانان اعلام می کنند که در آینده مشکل اشتغال خواهند داشت.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران ضمن محکوم کردن این جنایات به خصوص دستگیری و اذیت و آزار کودکان و جوانان به جرم روزه خواری، جمهوری اسلامی را

بطرف منصور حکمت پرتاب میشد، این باراز طرف کورش مدرسی بکار گرفته شده و از جانب تعدادی از هم جناحیهای کورش تکرار و مشروعیت داده شده بود . نتیجتاً از نظر اکثریت کادرهای حزب اعتبار سیاسی کورش و مدافعینش در کمیته مرکزی زیر سؤال رفت. آنها قادر به دفاع از نظرات خود نبوده و نمیتوانستند جواب کادرها را بدهند. بهمین جهت متوسل به هرچیزی میشدند. مقوله " تفتیش عقاید نکنید" ابزاری شد برای طفره رفتن از بحث و به صحرای کربلا زدن . انگار با انسانهای مالیخولیائی طرف شده ای . اگر در صحبت کسی سئوالی طرح میشد جواب نمیدادند و یا میگفتند چرا تفتیش عقاید میکنی . این شیوه در عین حال عمق درماندگی آنها را نشان میداد .

برای برون رفت از بن بست حزب دو آلترناتیو در مقابل دفتر سیاسی قرار داشت . کورش و همراهانش طی بیانیه ۲۱ نفره راه حل خود را برای خروج از بحران حزب اعلام کردند . این رفقا تمام امید خود را به پلنوم بسته بودند. دلیل آن کاملاً روشن و سیاسی بود . علنی شدن بحثها در میان اعضا و جامعه همچنانکه نمونه آنرا در رابطه با کادرها تجربه کرده بودند ، توازن را بضرر آنها شدیداً تغییر میداد . جناح کورش تمام

مسئول مستقیم جانباختن این دو جوان دانسته و همه مردم آزادیخواه کردستان را فرامیخواند در برابر این تعرضات رژیم و دستگیریهایی اخیر يك صدا و متحد اعتراض کنند و با اعتراض و مقاومت خود در برابر یورش نیروهای سرکوبگر به جوانان، جمهوری اسلامی را وادار به عقب نشینی نمایند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران ۲۰ آبان ۱۳۸۳ برابر با ۱۰ نوامبر ۲۰۰۴

توان و نیرویش را برحفظ توازن قوایی که در کمیته مرکزی داشتند متمرکز کردند. پلنوم را بعنوان راه حل بن بست موجود ارائه دادند و اعلام کردند که اسناد نباید در اختیار اعضا قرار بگیرد . استدلال آنها این بود که اگر اعضا از بحثها مطلع شوند و یا اگر کنگره برگزار شود ، رهبری بی اعتبار میگردد . میگفتند این شیوه مائو بوده که کلاه بوقی سر رهبران حزب کرد . امابزرگاری پلنوم نمیتوانست راه حل باشد زیرا که اولاً خود کمیته مرکزی وقت ، بخشی از معضل بود و ثانیاً برگزاری پلنوم بمعنی کش دادن بحران و تعمیق آن بود . اکثریت کادرها از استدلال جناح کورش سردر نمی آوردند. برای همه سؤال بود که چرا علنی شدن بحثها ، اعضای رهبری را بی اعتبار میکنند این چه ربطی به مائوئیسم دارد و یا کلاه بوقی از کجا وارد صحنه شده . بعد از اینکه از طرف رفیق حمید تقوایی اعلام شد که اسناد در اختیار اعضا قرار داده میشود و کنگره برگزار میگردد، جناح کورش در حالیکه برعلیه " مائوئیستهای" من در آوردی شان شعار میدادند صفوف حزب را ترک کردند .

کمک مالی به کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری

عباس محمدی

۳۰۰ دلار

بیاد مددعلی پرتوی

۱۰۰ دلار

حامد محمدی

۶۰ دلار

سلیمان سیگارچی

۵۰ دلار

مسعود آذر نوش

۶۰ دلار

مهرداد احمدی

۳۰ دلار

جمشید

۲۰ دلار

مرگ بر جمهوری اسلامی!

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!